

نام های این ادعیه پانزده گانه به ترتیب عبارتند از:

1- مناجات التائبین (مناجات توبه کنندگان) 2- مناجات الشاکین
(مناجات شکوه داران) 3- مناجات الخائفین (مناجات ترسناکان) 4-

مناجات الراجین (مناجات درخواست کنندگان) 5- مناجات الراجین
(مناجات راغبان و مشتاقان حق) 6- مناجات الشاکین (مناجات
شکرگزاران)

7- مناجات المطیعین لله (مناجات اهل طاعت خدا) 8- مناجات
الفریدین (مناجات اهل ارادت و اشتیاق) 9- مناجات المحبّین
(مناجات محبان خداوند)

10- مناجات المتوسّلین (مناجات اهل توسل به خدا) 11- مناجات
المفتقرین (مناجات نیازمندان به درگاه خدا) 12- مناجات العارفين
(مناجات عارفان)

13- مناجات الذاکرین (مناجات اهل ذکر) 14- مناجات المعتصمین
(مناجات معتصمین) 15- مناجات الزاهدين (مناجات اهل زهد)

و اما متن و معنی دعاهاى پانزده گانه در ذیل آمده است:

المناجات الأولى: «مناجاه التائبین»

مناجات اول: مناجات توبه کنندگان

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

إِلَهِي الْبَسْثِنِي الْخَطَايَا ثَوْبَ مَذَلَّتِي، وَجَلِّلْنِي الثَّبَاغُذُ مِنْكَ لِبَاسَ

خدایا خطاها و گناهان لباس خواری بر تنم کرده و دوری از تو
جامه

مَسْكَنَّتِي، وَأَمَاتْ قَلْبِي عَظِيمَ جِنَايَتِي، فَأَخِيهِ بِتَوْبِهِ مِنْكَ يَا أَمَلِي

بیچارگی بر تنم افکنده و برزگ جنایتم دلم را میرانده پس تو
زندهاش کن به بازگشت خودت (بسوی من) ای آرزو

وَبُغْيَتِي، وَيَا سُؤْلِي وَمُنْيَتِي، فَوَ عِزَّتِكَ مَا أَجِدُ لِذُنُوبِي سِوَاكَ غَافِرًا،

و مقصودم و ای خواسته و آرمانم به عزتت سوگند برای گناهانم
جز تو آمرزندهای نیابم

وَلَا أَرَى لِكَسْرِي غَيْرَكَ جَابِرًا، وَقَدْ خَضَعْتُ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ، وَعَعْنُوثُ

و برای شکستگیم جز تو شکسته‌بندی نبینم و من بوسیله آه و ناله
کردن بسوی تو بدرگاهت خاضع گشته و با زاری کردن

بِالِاسْتِكَانَةِ لَدَيْكَ، فَإِنْ طَرَدْتَنِي مِنْ بَابِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ، وَإِنْ رَدَدْتَنِي

در برابرت خود را به خواری کشاندم پس اگر توام از درگاه خویش
برانی در آنحال به که روآورم؟ و اگر توام

عَنْ جِنَابِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ، فَوَا أَسْفَاهُ مِنْ خَجَلْتِي وَافْتِضَاحِي، وَوَا لَهْفَاهُ

از نزد خویش بازگردانی به که پناه برم؟ و بس افسوس از

شرمندگی و رسواییم و ای دریغ

مِنْ شَوْءٍ عَمَلِي وَاجْتِرَاحِي، أَسْأَلُكَ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ الْكَبِيرِ، وَيَا جَابِرَ

از کار بد و گناهانی که بدست آوردهام از تو خواهم ای آمرزنده
گناه بزرگ و ای شکسته‌بند

الْعَظِيمِ الْكَسِيرِ، أَنْ تَهَبَ لِي مُوَبِقَاتِ الْجَرَائِرِ، وَتَسْتُرَ عَلَيَّ فَاضِحَاتِ

استخوان شکسته که بپخشی بر من گناهان نابود کننده‌ام را و
پپوشی بر من کارهای پنهانی

السَّرَائِرِ، وَلَا تُخَلِنِي فِي مَشْهَدِ الْقِيَامَةِ مِنْ بَزْدِ عَفْوِكَ وَغَفْرِكَ،

رسواکننده را و مرا در بازار قیامت از نسیم جانبخش عفو و
آمرزشت محروم نفرمایی و از

وَلَا تُغْرِنِي مِنْ جَمِيلِ صَفْحِكَ وَسِتْرِكَ، إِلَهِي ظَلَّلَ عَلَيَّ ذُنُوبِي

لباس زیبای گذشت و چشمپوشی خود برهنهام نکنی خدایا سایه ابر
رحمتت را بر گناهانم بینداز

عَمَامَ رَحْمَتِكَ، وَأَرْسِلْ عَلَيَّ عُيُوبِي سَحَابَ رَأْفَتِكَ، إِلَهِي هَلْ

و ابرریزان مهربانی و رأفتت را برای شستشوی عیبهایم بفرست
خدایا آیا

يَزِجُ الْعَبْدُ الْأَبْقَى إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ، أَمْ هَلْ يُجِيرُهُ مِنْ سَخَطِهِ أَحَدٌ سِوَاهُ،

بنده فراری جز به درگاه مولایش به کجا بازگردد یا آیا کسی جز او

هست که وی را از خشم او پناه دهد

إِلَهِي إِنْ كَانَ النَّدَمُ عَلَى الذَّنْبِ تَوْبَةً فَإِنِّي وَعِزَّتِكَ مِنَ النَّادِمِينَ،

معبودا اگر پشیمانی بر گناه توبه محسوب شود پس به عزت
سوگند که براستی من از پشیمانانم

وَإِنْ كَانَ الْإِسْتِغْفَارُ مِنَ الْخَطِيئَةِ حِطَّةً فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ،

و اگر آمرزش خواهی از خطا آنرا پاک کند پس براستی من از
آمرزش خواهانم

لَكَ الْعُثْبَى حَتَّى تَرْضَى، إِلَهِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ ثَبِّ عَلَيَّ، وَبِعِلْمِكَ

خدایا تو را سزد که مرا مؤاخذه کنی تا گاهی که خوشنود شوی
خدایا به همان قدرتی که بر من داری توبهام بپذیر و به بردباریت

عَنِّي اغْفُ عَنِّي، وَبِعِلْمِكَ بِي إِزْفُقْ بِي، إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ

از من بگذر و به همان علمت که به احوالم داری با من مدارا کن
خدایا تویی که دری از عفو خود

لِعِبَادِكَ بَاباً إِلَى عَفْوِكَ، سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ فَقُلْتَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً

بسوی بندگانت باز کردی و نامش را توبه گذاردی و فرمودی «بسوی
خدا بازگردید با توبه

نُصُوحاً، فَمَا عُذْرٌ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ الْبَابِ بَعْدَ فَتْحِهِ، إِلَهِي إِنْ كَانَ

صادقانه» پس دیگر چه عذری دارد آن کس که از وارد شدن در این

در باز شده غفلت ورزد خدایا اگر براستی

قُبِحَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ، فَلِيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ، إِلَهِي مَا أَنَا بِأَوَّلِ

سرزدن گناه از بندهات زشت است ولی گذشت نیز از نزد تو نیکو
است معبودا من نخستین کسی نیستم

مَنْ عَصَاكَ فَثُبَّتْ عَلَيْهِ، وَتَعَرَّضَ لِمَعْرُوفِكَ فَجُدَّتْ عَلَيْهِ، يَا مُجِيبَ

که نافرمانیت کرده و توبه پذیرش گشتهای و خواستار احسانت
گشته و تو بر او احسان

الْمُضْطَرِّ، يَا كَاشِفَ الضُّرِّ، يَا عَظِيمَ الْبِرِّ، يَا عَلِيمًا بِمَا فِي السِّرِّ، يَا

کردهای، ای پذیرنده بیچاره ای غمزدا ای بزرگ احسان ای دانای
اسرار نهان ای

جَمِيلَ السَّيْرِ، اسْتَشْفَعْتُ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيْكَ، وَتَوَسَّلْتُ بِجَنَابِكَ

نیکو پردهپوش شفیع گردانم نزد تو جود و کرمت را و توسل
جستم به حضرتت و به مهربانیت

[بِجَنَابِكَ] وَتَرَحُّمِكَ لَدَيْكَ، فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَلَا تُخَيِّبْ فِيكَ رَجَائِي،
در پیش تو پس دعایم مستجاب کن و امیدم را درباره خودت به
نومیدی مبدل مکن

وَتَقَبَّلْ تَوْبَتِي، وَكَفِّرْ خَطِيئَتِي بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و توبهام را بپذیر و گناهم را به کرم و مهربانی خود نادیده گیر ای
مهربانترین مهربانان

الثانيه: «مناجات الشاكين»

دوم: مناجات شكایت کنندگان

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

إلهي إلیک أشکو نفساً بالشوءِ أَمَارَةً، وَإِلَى الخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً

خدایا به سوی تو شکایت آورم از نفسی که مرا همواره به بدی
وادارد و به سوی گناه شتاب دارد

وَبِمَعاصِيكَ مُوَلَّعَةً، وَلِسَخَطِكَ مُتَعَرِّضَةً، تَسْلُكُ بِي مَسَالِكَ

و به نافرمانیهایت حریص است و به موجبات خشم دست درازی
کند مرا به راههایی که

الْمَهَالِكِ، وَتَجْعَلُنِي عِنْدَكَ أَهْوَنَ هَالِكِ، كَثِيرَةَ الْعِلَلِ، طَوِيلَةَ الْأَمَلِ، إِنَّ

منجر به هلاکت می شود می کشاند و بصورت پستترین نابودشدگان
درم آورد بیماریهایش بسیار و آرزویش دراز

مَسَّهَا الشَّرُّ تَجَزَعُ، وَإِنْ مَسَّهَا الخَيْرُ تَمْنَعُ، مَيَّالَةً إِلَى اللَّعِبِ وَاللَّهْوِ،

است اگر شری به او رسد بی تاب شود و اگر خیری نصیبش گردد
سرکشی کند به اسباب بازی و سرگرمیهای بیهوده

مَفْلُوءَةً بِالْعَفْلِهِ وَالسَّهْوِ، تُسْرِعُ بِي إِلَى الْحَوْبَةِ، وَتَسْوِفُنِي بِالتَّوْبَةِ،

بسیار متمایل و از بی‌خبری و فراموشی انباشته است مرا به سوی گناه شتاب دهد و به نوبت توبه به امروز و فردا کند

إِلَهِي أَشْكُو إِلَيْكَ عَدْوًا يُضِلُّنِي، وَشَيْطَانًا يُغْوِينِي، قَدْ مَلَأَ

خدایا به تو شکایت آورم از دشمنی که گمراهم کند و شیطانی که مرا از راه بدر برد سینهام را پر از

بِالْوَسْوَاسِ صَدْرِي وَأَحَاطَتْ هَوَاجِسُهُ بِقَلْبِي، يُعَاضِدُنِي الْهَوَى،

وسوسه کرده و تحریکات زهرآگینش قلبم را احاطه کرده به هوا و هواسم کمک کند

وَيُزَيِّنُ لِي حُبَّ الدُّنْيَا وَيَحْوِلُ بَيْنِي وَبَيْنَ الطَّاعَةِ وَالزُّلْفَى، إِلَهِي

و دوستی دنیا را پیش چشمم آرایش دهد میان من و فرمانبرداری و تقرب به درگاهت حائل گردد خدایا

إِلَيْكَ أَشْكُو قَلْبًا قَاسِيًا مَعَ الْوَسْوَاسِ مُتَّقَلِبًا، وَبِالزَّيْنِ وَالطَّبَعِ مُتَلَبِّسًا،

پیش تو شکوه آرم از دلی که سخت شده و بدست وسوسهها بگردد و به زنگ (خودبینی) و خوی زشت پوشیده شده،

وَعَيْنًا عَنِ الْبُكَاءِ مِنْ خَوْفِكَ جَامِدَةً، وَ إِلَى مَا تُسْرِهَا طَامِحَةً، إِلَهِي

و از دیدهای که به هنگام گریه کردن از خوف تو خشک است ولی برای نگریستن به مناظر خوشآیندش خیره و حریص است خدایا

لَا حَوْلَ لِي وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِقُدْرَتِكَ، وَلَا نَجَاةَ لِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا إِلَّا

جنبش و نیرویی برای من نیست جز به نیروی تو و راه نجاتی از گرفتاریهای دنیا ندارم جز

بِعِضْمَتِكَ، فَأَسْأَلُكَ بِبَلَاغِهِ حِكْمَتِكَ، وَنَفَاذِ مَشِيئَتِكَ، أَنْ لَا تَجْعَلَنِي

نگهداری تو پس از تو می‌خواهم به حکمت رسایت و به مشیت جاری و گذرایت که مرا تنها در معرض

لِغَيْرِ جُودِكَ مُتَعَرِّضاً، وَلَا تُصَيِّرْنِي لِلْفِتَنِ غَرَضاً وَكُنْ لِي عَلِيًّا

جود و بخشش خود درآوری و هدف تیرهای بلا و آزمایش قرارم ندهی و مرا در پیروزی

الْأَغْدَاءِ نَاصِراً، وَعَلَى الْمَخَازِي وَالْغُيُوبِ سَاتِراً وَمِنَ الْبَلَاءِ وَاقِياً،

بر دشمنان یاری کنی و رسوائیها و عیوبم را بپوشانی و از بلا محافظتم کنی

وَعَنِ الْمَعَاصِي عَاصِماً بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و از گناهان نگاهم داری به مهر و رحمت ای مهربانترین مهربانان

الثَّالِثَةُ: «مُنَاجَاتُ الْخَائِفِينَ»
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِلَهِي أَتْرَاكَ بَعْدَ الْإِيْمَانِ بِكَ تُعَذِّبُنِي، أَمْ بَعْدَ حُبِّي إِيَّاكَ تُبَعِّدُنِي، أَمْ

خدایا آیا چنان می بینی که پس از ایمان آوردنم به تو مرا عذاب کنی یا پس از دوستیم به تو مرا از خود دور

مَعَ رَجَائِي لِرَحْمَتِكَ وَصَفْحِكَ تُحْرِمُنِي، أَمْ مَعَ اسْتِجَارَتِي بِعَفْوِكَ

کنی یا با امیدی که به رحمت و چشمپوشیت دارم محروم سازی یا با پناه آوردنم به عفو و گذشتت

تُسَلِّمُنِي، حَاشَا لِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تُخَيِّبَنِي، لَيْتَ شِغْرِي أَلِشَّقَاءِ

مرا بدست دوزخ سپاری؟ هرگز! از ذات بزرگوار تو دور است که محروم کنی، ای کاش می دانستم که آیا مادرم مرا

وَلَدَتْنِي أُمِّي أَمْ لِلْعَنَاءِ رَبَّتْنِي، فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْنِي وَلَمْ تُرَبِّبْنِي، وَلَيْتَنِي

برای بدبختی زائیده یا برای رنج و مشقت مرا پروریده؟ کاش مرا نزائیده و بزرگ نکرده بود

عَلِمْتُ أَمِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي، وَبِقُرْبِكَ وَجْوَارِكَ خَصَصْتَنِي،

و کاش می دانستم ای خدا که آیا مرا از اهل سعادت قرارم داده و به مقام قرب و جوار خویش مخصوص گردانده ای

فَتَقَرَّرَ بِذَلِكَ عَيْنِي، وَتَظْمِنَنَّ لَهُ نَفْسِي، إِلَهِي هَلْ تُسَوِّدُ وُجُوهُاً خَرَّتْ

تا چشمم بدین سبب روشن گشته و دلم مطمئن گردد خدایا آیا

براستی سیاه کنی چهرههایی را که در

ساجده لِعَظْمَتِكَ، أَوْ تُخْرِشُ أَلْسِنَهُ نَطَقَتْ بِالثَّنَاءِ عَلَى مَجْدِكَ

برابر عظمتت به خاک افتاده یا لال کنی زبانهایی را که به ثناگویی
درباره مجد

وَجَلَالَتِكَ، أَوْ تَطْبِعُ عَلَى قُلُوبِ انْطَوَتْ عَلَى مَحَبَّتِكَ، أَوْ تُصِمُّ

و شوکتت گویا شده یا مهر زنی بر دلهایی که دوستی تو را در
بردارد یا گر کنی

أَسْمَاعاً تَلَذَّذَتْ بِسَمَاعِ ذِكْرِكَ فِي إِرَادَتِكَ، أَوْ تَغْلُ أَكْفَأَ رَفَعَتْهَا

گوشههایی را که به شنیدن ذکرت در ارادت ورزی به تو لذت برند یا
ببندی به زنجیر کیفر دستهایی را

الْأَمَالَ إِلَيْكَ رَجَاءً رَافَتِكَ، أَوْ تُعَاقِبُ أَبْدَاناً عَمِلَتْ بِطَاعَتِكَ حَتَّى

که آمال و آرزوها به امید مهرت آنها را به سوی تو بلند کرده یا
کیفر کنی بدنهایی را که در طاعتت کار کرده تا

تَجِلَّتْ فِي مُجَاهَدَتِكَ، أَوْ تُعَذِّبُ أَرْجُلًا سَعَتْ فِي عِبَادَتِكَ، إِلَهِي لَا

به جایی که در راه کوشش برای تو نزار گشته یا شکنجه دهی
پاهایی را که در پرستشت راه یافته خدایا

تُغْلِقُ عَلَى مُوَحَّدِيكَ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَلَا تُخْجِبُ مُشْتَاقِيكَ عَنِ

درهای رحمتت را به روی یکتا پرستانت مبند و مشتاقانت را از

النَّظَرِ إِلَى جَمِيلِ رُؤْيَيْتِكَ، إِلَهِي نَفْسِ أَعَزَّتْهَا بِتَوْحِيدِكَ كَيْفَ

مشاهده جمال دیدارت محروم مکن خدایا نفسی را که به وسیله
توحید و یگانه پرستیت عزیز داشتهای چگونه

تَذَلُّهَا بِمَهَانِهِ هِجْرَانِكَ، وَضَمِيرٌ انْعَقَدَ عَلَى مَوَدَّتِكَ، كَيْفَ تُحْرِقُهُ

به خواری هجرانت پست کنی و نهادی را که با دوستی تو پیوند
شده چگونه به

بِحَرَارَةِ نِيرَانِكَ، إِلَهِي أَجْزَى مِنْ أَلِيمِ غَضَبِكَ، وَعَظِيمِ سَخَطِكَ، يَا

حرارت آتشت بسوزانی خدایا پناهم ده از خشم دردناک و غضب
بزرگت ای

حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ، يَا جَبَّارُ يَا قَهَّارُ، يَا غَفَّارُ يَا سَتَّارُ،

مهرورز ای پربخشش ای مهربان ای بخشاینده ای دارای بزرگی و
عظمت ای به قهر گیرنده ای پردهپوش

نَجْنِي بِرَحْمَتِكَ مَنْ عَذَابِ النَّارِ وَفَضِيحِهِ الْعَارِ إِذَاامْتَاَزَ الْأُخْيَارُ

نجاتم ده به رحمت خود از عذاب دوزخ و رسوایی ننگ (یا برهنگی)
در آن هنگام که نیکان

مِنَ الْأَشْرَارِ، وَحَالَتِ الْأُخْوَالُ وَهَالَتِ الْأَهْوَالُ، وَقَرَّبَ الْمُحْسِنُونَ،

از بدان جدا گردند و احوال دگرگون شود و هراسها مردم را
فراگیرد و نزدیک و مقرب شوند نیکوکاران

وَبَعْدَ الْمُسِيئُونَ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

و دور گردند بدکاران و به هر کس هر چه کرده است داده شود و ستم به ایشان نشود

الزَّابِغَةُ: «مُنَاجَاتُ الرَّاجِينَ»

چهارم: مناجات امیدواران
بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

يَا مَنْ إِذَا سَأَلَهُ عَبْدٌ أَعْطَاهُ، وَإِذَا أَمَلَ مَا عِنْدَهُ بَلَغَهُ، مُنَاهُ، وَإِذَا أَقْبَلَ

ای که هرگاه بنده‌ای از او درخواست کند دهدش و هرگاه چیزی را که نزد او است آرزو کند بدان آرزو رساندش و چون بدو رو کند

عَلَيْهِ قَرَّبَهُ وَأَذْنَاهُ، وَإِذَا جَاهَرَهُ بِالْعِضْيَانِ سَتَرَ عَلَى ذَنْبِهِ وَغَطَّاهُ، وَإِذَا

به مقام قرب و نزدیکی خویشش ببرد و چون به آشکاری گناهش کند پرده بر گناهش کشد و آن را بپوشاند و چون بر

تَوَكَّلَ عَلَيْهِ أَحْسَبَهُ وَكَفَاهُ، إِلَهِي مَنْ الَّذِي نَزَلَ بِكَ مُلْتَمِسًا قِرَاكَ

او توکل کند کفایتش کند و بسش باشد خدایا کیست که بر درگاه تو بار اندازد و میهماننوازیت خواهد

فَمَا قَرَيْتَهُ، وَمَنْ الذِي أَنَاخَ بِبَابِكِ مُرْتَجِيًا نَدَاكَ فَمَا أَوْلَيْتَهُ، أَيَحْسُنُ

و تو پذیرائیش نکنی و کیست که مرکب نیاز خود به دربارت خواباند و امید بخششت داشته باشد و تو احسانش

أَنْ أَرْجِعَ عَنْ بَابِكَ بِالْخَيْبَةِ مَضْرُوفًا، وَلَسْتُ أَغْرِفُ سِوَاكَ مَوْلَى

نکنی آیا خوبست که من ناامید از درگاهت باز گردم با اینکه جز تو مولایی را که به احسان نامور باشد

بِالْإِحْسَانِ مَوْضُوفًا، كَيْفَ أَرْجُو غَيْرَكَ وَالْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِكَ، وَكَيْفَ

نشناسم چگونه به جز تو امید داشته باشم با اینکه هر چه خیر است بدست تو است و چگونه

أَوْمَلُ سِوَاكَ وَالْخَلْقُ وَالْأَمْرُ لَكَ، أَقْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ وَقَدْ أَوْلَيْتَنِي

به جز تو آرزومند باشم با اینکه خلقت و فرمان از آن تو است آیا براستی امیدم را از تو قطع کنم با اینکه تو

مَا لَمْ أَسْأَلْهُ مِنْ فَضْلِكَ، أَمْ تُفَقِّرُنِي إِلَى مِثْلِي وَأَنَا أَعْتَصِمُ بِحَبْلِكَ، يَا

از فضل خویش به من عطا کردی چیزی را که من درخواست نکرده بودم یا مرا بمانند خودم نیازمند سازی با اینکه من به رشته تو

مَنْ سَعَدَ بِرَحْمَتِهِ الْقَاصِدُونَ، وَلَمْ يَشَقَّ بِنَقْمَتِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ، كَيْفَ

چنگ زدم ای که به رحمتش سعادتمند گردند قاصدان او و دچار بدبختی و عذاب و کیفرش نشوند آمرزش خواهانش چگونه

أَنْسِيكَ وَلَمْ تَزَلْ ذَاكِرِي، وَكَيْفَ أَلْهُو عَنْكَ وَأَنْتَ مُرَاقِبِي، إِلَهِي

فراموشت کنم با اینکه تو همیشه به یاد منی و چگونه از یاد تو بیرون روم با اینکه تو همیشه مراقب من هستی خدایا

بِذَنْبِ كَرَمِكَ أَغْلَقْتُ يَدِي، وَلِئَيْلِ عَطَايَاكَ بَسَطْتُ أَمَلِي، فَأَخْلِضْنِي

من به ذیل کرمت دست انداختم و برای دریافت عطاهایت دامن آرزویم را گستردهام پس مرا بوسیله یگانگی

بِخَالِصِهِ تَوْحِيدِكَ وَاجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَةِ عَبِيدِكَ، يَا مَنْ كُلُّ هَارِبٍ إِلَيْهِ

خالص خود خالص گردان و از زمره بندگان برگزیدههاست قرارم ده ای که هر گریختهای به او

يَلْتَجِي، وَكُلُّ طَالِبٍ إِيَّاهُ يَزْتَجِي، يَا خَيْرَ مَرْجُوٍّ، وَيَا أَكْرَمَ مَذْعُوٍّ، وَيَا

پناه برد و هر جویندهای به او امید دارد ای بهترین مایه امید و ای بزرگواریترین خواننده شده و ای

مَنْ لَا يَرُدُّ سَأْلَهُ، وَلَا يُخَيِّبُ أَمَلَهُ، يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِيهِ، وَجِجَابُهُ

کسی که خواهندهاش را دست خالی باز نگرداند و آرزومندش را نومید نسازد ای که درگاه او به روی خوانندگانش باز و پردههاش

مَرْفُوعٌ لِرَاجِيهِ، أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ مِنْ عَطَايِكَ بِمَا تَقَرُّ بِهِ عَيْنِي، وَمِنْ

برای امیدواربهاوبالا زده است از تو خواهم به بزرگواریت که بر من بخشی از عطای خویش به حدی که دیدهام بدان روشن گردد و از

رَجَائِكَ بِمَا تَظْمِنُ بِهِ نَفْسِي، وَمِنَ الْيَقِينِ بِمَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيَّ مُصِيبَاتِ
الدُّنْيَا،

امیدت بدان مقدار که خاطر من اطمینان یابد و از یقین بدان اندازه
که پیشآمدهای ناگوار دنیا بر من آسان گردد

وَتَجَلُّوْا بِهِ عَن بَصِيْرَتِي غَشَوَاتِ الْعَمَى، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ.

و بوسیله آن پردههای سیاه کوردلی از دیده دل دور شود به
رحمت ای مهربانترین مهربانان

الخامسه: «مُنَاجَاتِ الرَّاْغِبِيْنَ»

پنجم: مناجات مشتاقان
بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

إِلٰهِيْ إِنْ كَانَ قَلَّ زَادِي فِي الْمَسِيْرِ إِلَيْكَ، فَلَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِالتَّوَكُّلِ

خدایا اگر توشهام برای پیمودن راه بسوی تو اندک است ولی گمانم
به توکل و اعتماد

عَلَيْكَ، وَإِنْ كَانَ جُزْمِي قَدْ أَخَافَنِي مِنْ عُقُوبَتِكَ، فَإِنَّ رَجَائِي قَدْ

بر تو نیکوست و اگر جرم و گناه مرا از کیفر تو ترسناک کرده ولی
امیدم به من

أَشْعَرَنِي بِالْأَمْنِ مِنْ نِقْمَتِكَ، وَإِنْ كَانَ ذَنْبِي قَدْ عَرَضَنِي لِعِقَابِكَ فَقَدْ

نوید ایمنی از انتقامت را می‌دهد و اگر گناه مرا در سر راه کیفیت
قرار داده ولی

أَذْنَى حُسْنٍ ثِقْتِي بِثَوَابِكَ، وَإِنْ أَنَا مَثْنِي الْغَفْلَةَ عَنِ الْأَسْتِغْدَادِ

اعتماد خوبی که به تو دارم مرا به پاداش نیکت آگاه کرده و اگر
غفلت و بی‌خبری مرا از آمادگی

لِلِقَائِكَ، فَقَدْ نَبَّهْتَنِي الْمَعْرِفَةَ بِكَرَمِكَ، وَ الْإِيكَ، وَإِنْ أَوْحَشَ مَا بَيْنِي

برای شرفیابی درگاهت به خواب عمیقی فرو برده ولی معرفت و
آگاهی از کرم و بخششهایت مرا بیدار کرده و اگر زیادهروی

وَبَيْنَكَ فَرِطُ الْعِضْيَانِ وَالطُّغْيَانِ، فَقَدْ آتَسَنِي بُشْرَى الْغُفْرَانِ

در نافرمانی و سرکشی میان من و تو را تیره ساخته ولی مزده
آمرزش و خوشنود شدنت مرا به همدمی و انس با

وَالرُّضْوَانِ، أَسْأَلُكَ بِسُبْحَاتِ وَجْهِكَ، وَبِأَنْوَارِ قُدْسِكَ، وَأَبْتِهْلِ إِلَيْكَ

تو کشانده از تو خواهم به تابشهای جمالت و به انوار ذات مقدست
و زاری کنم به درگاهت برای

بِعَوَاطِفِ رَحْمَتِكَ، وَلَطَائِفِ بَرِّكَ، أَنْ تُحَقِّقَ ظَنِّي بِمَا أَوْمَلُهُ مِنْ

جلب عواطف مهترت و دقائق احسانت که حقیقت بخشی به گمانم
در آنچه از تو آرزومندم از

جَزِيلِ اِكْرَامِكْ، وَجَمِيلِ اِنْعَامِكْ فِي الْقُرْبَى مِنْكَ، وَالزُّلْفَى لَدَيْكَ،

بخشش فراوان و احسان نیکو در مورد تقرب به تو و نزدیکی به حضرتت

وَالْتَمَتُّعُ بِالنَّظَرِ اِلَيْكَ، وَهَا اَنَا مُتَعَرِّضٌ لِانْفِحاتِ رَوْحِكَ وَعَظْفِكَ،

و بهره‌مند شدن از تماشای جمالت و اینک من خود را در معرض نسیم جانبخش لطف و توجهت درآورده

وَمُنْتَجِعُ غَيْثِ جُودِكَ وَلُطْفِكَ، فَأَرْ مِنْ سَخَطِكَ اِلَى رِضاكَ، هَارِبٌ

و خواهان باران جود و احسانت هستم و از خشمت به سوی خوشنودیت گریخته و از خودت بدرگاه خودت فرار کرده‌ام

مِنْكَ اِلَيْكَ، راجِ. اَحْسَنَ مَا لَدَيْكَ، مُعَوَّلٌ عَلٰى مَوَاهِبِكَ، مُفْتَقِرٌ اِلَى

و امید بهترین چیزی را که نزد تو است دارم و بر بخششهای تو اعتماد و توکل کرده‌ام و نیازمند به سرپرستی

رِعَايَتِكَ، اِلٰهَى مَا بَدَأَتْ بِهٖ مِنْ فَضْلِكَ فَتَمِّمْنَهُ، وَمَا وَهَبْتَ لِي مِنْ

و نگهداری توام خدایا بدانچه از فضل خود درباره من دست زدی به پایانش رسان و آنچه از کرمت بر من

كَرَّمِكَ فَلَا تَسْلُبْنَهُ، وَمَا سَتَرْتَهُ عَلَيَّ بِحِلْمِكَ فَلَا تَهْتِكْهُ، وَمَا عَلِمْتَهُ

بخشیدی آن را از من بگیر و آنچه را به بردباری خویش بر من پوشانده‌ای آشکارش مکن و کارهای

مِنْ قَبِيحٍ فِعْلِي فَاغْفِرْهُ، إِلَهِي اسْتَشْفَعْتُ بِكَ إِلَيْكَ، وَاسْتَجَزْتُ بِكَ

زشتی را که من انجام داده‌ام برایم پیامرز خدایا خودت را به
درگاہت شفیع آورم و از تو به خودت

مِنْكَ، أَتَيْتُكَ طَامِعاً فِي إِحْسَانِكَ، رَاغِباً فِي امْتِنَانِكَ، مُسْتَشْقِياً وَابِلَ

پناه برم به درگاہت آمده‌ام در حالی که آزمندم به احسانت مشتاقم
به دریافت بخششت تشنه‌ام به باران رحمت

طَوْلِكَ، مُسْتَفْطِراً غَمَامَ فَضْلِكَ، طَالِباً مَرْضَاتِكَ، قَاصِداً جَنَابِكَ،

باران جویم از ابر فضل و احسانت جویای اسباب خشنودیت هستم
و عازم تشریف به آستانت گشته‌ام

وَإِذَا شَرِيعَةً رَفِدِكَ، مُلْتَمِساً سِنِي الْخَيْرَاتِ مِنْ عِنْدِكَ، وَإِفْداً إِلَى

در جویبار عطایت وارد گشته و خواهشمند بهترین نیکیهای تو
هستم بار نیاز به درگاه

حَضْرَةِ جَمَالِكَ، مُرِيداً وَجْهَكَ، طَارِقاً بِابِكَ، مُسْتَكِيناً لِعَظَمَتِكَ

حضرت تو فرود آورده و ذات تو را خواهانم کوبنده‌ام در رحمت
را و خوادم در برابر عظمت

وَجَلَالِكَ، فَاَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَلَا تَفْعَلْ بِي

و جلالت پس انجام ده در باره‌ام آنچه را تو شایسته‌ای از آمرزش
و مهربانی و انجام مده دربارهام

ما أَنَا أَهْلُهُ مِنَ الْعَذَابِ وَالنَّقْمَةِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

آنچه را من سزاوار آنم از عذاب و انتقام به مهربانیت ای
مهربانترین مهربانان

السادسه: «مناجات الشاکرین»

ششم: مناجات سپاسگزاران
بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

إِلَهِي أَذْهَلْنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابِعُ طَوْلِكَ، وَأَعْجَزْنِي عَنْ

خدایا بخشش پی در پی تو انجام دادن سپاسگزاری را از یاد من
برد و ریزش فضل و احسانت مرا از

إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضْ فَضْلِكَ، وَشَغَلْنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادُفُ

شمردن ثنا و ستایشت عاجز کرد و پشت سر هم آمدن نیکیهایت
مرا از ذکر ستودنیهایت بازداشت و پیاپی

عَوَائِدِكَ، وَأَغْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي أَيَادِيكَ وَهَذَا مَقَامٌ مِّنْ

رسیدن نعمتهایت مرا از نشر دادن نیکوئیهایت درمانده کرد و اینجا
که من هستم جای کسی است که

اعْتَرَفَ بِسُبُوغِ النِّعْمَاءِ، وَقَابَلَهَا بِالتَّقْصِيرِ، وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ

اعتراف به وفور نعمتهای تو و در مقابل آنها به کوتاهی کردن خود دارد و به اهمالکاری و تلف کردن

بِالإِهْمَالِ وَالتَّضْيِيعِ، وَأَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ الْبَرُّ الْكَرِيمُ، الَّذِي لَا

عمر خویش گواهی دهد و تو ای خدای با عطوفت و مهربان و نیکوکار و بزرگواری که روآورندگان بسویت را نومید

يُخَيِّبُ قَاصِدِيهِ، وَلَا يَظْرُدُ عَنْ فِنَائِهِ أَمْلِيهِ، بِسَاحَتِكَ تَحُطُّ رِحَالُ

نسازی و آرزومندات را از درگاهت نرانی، امیدواران به آستانه تو بار امید خود را بیندازند

الرَّاجِينَ، وَبِعَرْضَتِكَ تَقِفُ أَمَالُ الْمُسْتَزِفِدِينَ، فَلَا تُقَابِلُ أَمَالَنَا

و آرزوهای عطاخواهان به میدان وسیع کرم تو توقف کنند پس ای خدا تو آرزوهای ما را

بِالتَّخْيِيبِ وَالْأَيَاسِ، وَلَا تُلْبِسْنَا سِرْبَالَ الْقُنُوطِ وَالْإِبْلَاسِ، إِلَهِي

با نومیدی و یأس روبرو مگردان و جامه ناامیدی و دل شکستگی بر ما میپوشان خدایا

تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظِمِ الْإِيكِ شُكْرِي، وَتَضَائِلَ فِي جَنْبِ إِكْرَامِكَ إِيَّايَ

در برابر نعمتهای بزرگت سپاسگزاری من کوچک است و در جنب اکرام و بزرگواری تو ثنا و

ثَنَائِي وَنَشْرِي، جَلَلْتَنِي نِعْمَتِكَ مِنْ أَنْوَارِ الْإِيمَانِ حُلَاةً، وَضَرَبْتَ

ستایش من خرد و ناقابل است نعمتهای تو زیورهایی از انوار ایمان
بر من پوشانده و ریزهکاریهای

عَلَى لَطَائِفِ بَرَكٍ مِنَ الْعِزِّ كِلَاةً، وَقَلَّدْتَنِي مِنْكَ قَلَائِدَ لَا تُحَلُّ،

نیکیت خیمههایی از عزت بر سرم زده و احسانهایت گردن بندههایی
به گردنم انداخته که باز نشود

وَطَوَّقْتَنِي أَطْوَاقاً لَا تُفَلُّ، فَالَأُنْكَ جَمَّةٌ ضَعْفَ لِسَانِي عَنْ إِخْصَائِهَا

و طوقهایی بدان آویخته که نگسند، نعمتهای بسیار تو زبان مرا از
شمردنش ناتوان کرده

وَنِعْمَاؤُكَ كَثِيرَةٌ قَصَرَ فَهْمِي عَنْ إِدْرَاكِهَا فَضْلاً عَنْ اسْتِخْصَائِهَا،

و بخششهای فراوانت خرد و فهم مرا از ادراکش کوتاه کرده تا چه
رسد به پی بردن به پایانش و با این

فَكَيْفَ لِي بِتَخْصِيلِ الشُّكْرِ، وَشُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرِي، فَكُلَّمَا

ترتیب من چگونه می توانم تو را سپاسگزاری کنم و همان
سپاسگزاری من تازه احتیاج به سپاسگزاری دیگری دارد و هرگاه

قُلْتُ لَكَ الْحَمْدُ، وَجَبَ عَلَيَّ لِذَلِكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ، إِلَهِي فَكَمَا

بگویم ستایش مخصوص تو است برای همین جمله لازم است
دوباره بگویم ستایش مخصوص تو است خدایا چنانچه

غَذَّيْتَنَا بِلُطْفِكَ، وَرَبَّيْتَنَا بِضُنْعِكَ، فَتَمَّمْ عَلَيْنَا سَوَابِغَ النُّعْمِ، وَادْفَعْ عَنَّا

به لطف خویش ما را خوراک دادی و به پرورش خود پروریدی پس
نعمتهای فراوانت را بر ما کامل کن و ناگواریهای

مَكَارِهِ النَّعْمِ، وَآتِنَا مِنْ حُطُوطِ الدَّارَيْنِ أَرْفَعَهَا وَأَجَلِّهَا، عَاجِلاً وَآجِلاً،
وَلَاكُ

سخت و بد را از ما دور کن و عطا کن به ما از بهره‌های دو جهان
برتر و بهترش را چه اکنون و چه در آینده

الْحَفْدُ عَلَى حُسْنِ بَلَائِكَ وَسُبُوحِ نِعْمَائِكَ، حَفِداً يُوَافِقُ رِضَاكَ، وَيَفْتَرِي

و ستایش تو را است برای آزمایش نیکویت و نعمتهای فراوانت
ستایشی که برابر خوشنودیت باشد

الْعَظِيمِ مِنْ بَرِّكَ وَنِدَاكَ، يَا عَظِيمُ يَا كَرِيمُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

و احسان و بخشش بزرگ تو را به سوی ما جلب کند ای بزرگ و ای
بزرگوار به رحمتت ای مهربانترین مهربانان

السَّابِعَهُ: «مُنَاجَاتُ الْمُطِيعِينَ لِلَّهِ»

هفتم: مناجات فرمانبرداران خدا
بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اللَّهُمَّ أَلْهِنَا طَاعَتَكَ، وَجَنِّبْنَا مَعْصِيَتَكَ، وَيَسِّرْ لَنَا بُلُوغَ مَا نَتَقَمَّى مِنْ

خدایا طاعتت را بر ما الهام کن و از نافرمانیت ما را دور کن و آسان کن بر ما راه رسیدن بدانچه

إِبْتِغَاءِ رِضْوَانِكَ، وَأَخْلِلْنَا بُخْبُوحَةَ جَنَانِكَ، وَاقْشَعِ عَنَّا بَصَائِرِنَا

آرزومندیم از تحصیل آنچه موجب خوشنودی تو است و ما را در وسط بهشتهایت جای ده و پراکنده ساز از پیش دیدگان ما

سَحَابِ الْإِزْتِيَابِ، وَاكْشِفْ عَنَّا قُلُوبِنَا أَغْشِيَةَ الْمِزْيَةِ وَالْحِجَابِ،

ابرهای شک و شبهه را و بردار از دلهای ما پردههای تردید و تاریکی را

وَأَزْهِقِ الْبَاطِلَ عَنَّا صَمَائِرِنَا، وَأَثْبِتِ الْحَقَّ فِي سَرَائِرِنَا، فَإِنَّ

و دور کن باطل را از نهاد ما و پابرجا کن حق را در درون ما زیرا این

الشُّكُوكَ وَالظُّنُونِ لَوَاقِحُ الْفِتَنِ، وَمُكَدَّرَةٌ لِصَفْوِ الْمَنَاحِ وَالْمِئَنِ،

شک و تردیدها و گمانها فتنهانگیز و تیره کننده عطاها و بخششهای زلال و صافی است خدایا

اللَّهُمَّ اخْمِلْنَا فِي سَفْنِ نَجَاتِكَ، وَمَتَّعْنَا بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ، وَأُورِدْنَا

خدایا ما را در کشتیهای نجاتت جای ده و از لذت مناجاتت بهره‌مند ساز و ما را بر لب دریاچههای

حِيَاضٌ حُبُّكَ، وَأَذِقْنَا حَلَاوَةَ وُدِّكَ وَ قُرْبِكَ، وَاجْعَلْ جِهَادَنَا فِيكَ، وَ

محبتت وارد کن و شیرینی دوستی و مقام قربت را به ما بچشان و
جهد و کوشش ما را در راه خودت و

هَمَّنَا فِي طَاعَتِكَ، وَأَخْلِصْ نِيَّاتِنَا فِي مُعَامَلَتِكَ، فَإِنَّا بِكَ وَوَلَكَّ، وَلَا

همتمان را در طاعت خودت قرار ده و نیت‌های ما را در مورد
کارهایی که برایت انجام دهیم خالص گردان زیرا ما با تو و

وَسِيلَةَ لَنَا إِلَيْكَ إِلَّا أَنْتَ، إِلَهِي اجْعَلْنِي مِنَ الْمُضْطَفِّينَ الْأَخْيَارِ

از آن توئیم و وسیله‌های به درگاہت نداریم جز خودت خدایا مرا از
برگزیدگان نیکوکار قرارم ده

وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ الْأَبْرَارِ، السَّابِقِينَ إِلَى الْمَكْرُمَاتِ، الْمُسَارِعِينَ

و به شایستگان نیک رفتارم ملحق کن آنان که به کارهای نیک
پیشی جسته و به سوی خیرات

إِلَى الْخَيْرَاتِ، الْعَامِلِينَ لِلْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، السَّاعِينَ إِلَى رَفِيعِ
الدَّرَجَاتِ

شتابان بوده و برای باقیات صالحات کار می‌کنند و به رسیدن به
درجات عالی و بلند کوشایند که براستی

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِالْإِجَابَةِ جَدِيدٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

تو بر هر چیز توانایی و به اجابت خواست‌هایم سزاوار به رحمت ای

الثامنہ: «مناجات المریدین»

ہشتم: مناجات اہل ارادت
بسم اللہ الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشاینده مهربان

سُبْحَانَكَ مَا أَضْيَقُ الطَّرِيقَ عَلَى مَنْ لَمْ تَكُنْ دَلِيلَهُ، وَمَا أَوْضَحَ الْحَقَّ

منزہی تو! چہ اندازہ تنگ است راہها بر کسی کہ تو آش رهنمون
نباشی و چہ اندازہ حقیقت روشن است

عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ سَبِيلَهُ، إِلَهِي فَاسْلُكْ بِنَا سَبِيلَ الْوُضُولِ إِلَيْكَ، وَسَيِّرْنَا

برای کسیکہ تو راہش را نشانش دادہای خدایا پس ما را بہ راہهای
رسیدن بہ درگاہت بدار و از

فِي أَقْرَبِ الطَّرِيقِ لِلْوُقُودِ عَلَيْكَ، قَرِّبْ عَلَيْنَا الْبَعِيدَ، وَسَهِّلْ عَلَيْنَا

نزدیکترین راہی کہ بہ تو رسند ما را بپر دور را بر ما نزدیک گردان
و راہهای سخت و

الْعَسِيرَ الشَّدِيدَ، وَالْحِقْنَا بِعِبَادِكَ الَّذِينَ هُمْ بِالْبِدَارِ إِلَيْكَ يُسَارِعُونَ،

و دشوار را بر ما آسان و هموار ساز و ملحقمان دار بہ آن بندگانت
کہ در پیشی گرفتن بہ سویت شتاب کنند

وَبَابِكَ عَلَى الدَّوَامِ يَطْرُقُونَ، وَإِيَّاكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَغْبُدُونَ، وَهُمْ

و یکسره بطور مداوم در خانهاات را می‌کوبند و در شب و روز تو را پرستش کنند و آنها

مِنْ هَيْبَتِكَ مُشْفِقُونَ، الَّذِينَ صَفَّيْتَ لَهُمُ الْمَشَارِبَ، وَبَلَّغْتَهُمْ

از هیبتت ترسانند آنانکه آبخورشان را پاک کردی و بخواستهایشان رسانیدی

الرَّغَائِبَ، وَأَنْجَحْتَ لَهُمُ الْمَطَالِبَ، وَقَضَيْتَ لَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ الْقَارِبَ،

و به دادن آنچه جویایش بودند کامرواشان ساختی و حاجت‌هایشان را از فضل خویش برآوردی

وَمَلَأْتَ لَهُمْ ضَمَائِرَهُمْ مِنْ حُبِّكَ، وَرَوَّيْتَهُمْ مِنْ صَافِي سِرِّكَ، فَبِكَ

و دل‌هایشان را سرشار از دوستی خویش کردی و از آب زلال معرفت سیرابشان کردی پس بوسیله

إِلَى لَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ وَصَلُّوا، وَمِنْكَ أَقْصَى مَقَاصِدِهِمْ حَصَلُوا، فَيَا مَنْ

تو به لذت مناجات نائل گشتند و از ناحیه تو بالاترین مقاصدشان را بدست آوردند پس ای

هُوَ عَلَى الْمُقْبِلِينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ، وَبِالْعَظْفِ عَلَيْهِمْ عَائِدٌ مُفْضِلٌ،

کسی که بر آنانکه به سویش رو کنند رو آوری و با توجه بدانها مهرورزی و نعمت بخشی و ای آنکه نسبت به

وَبِالْغَافِلِينَ عَن ذِكْرِهِ رَحِيمٌ رَّؤُوفٌ، وَبِجَذْبِهِمْ إِلَىٰ بَابِهِ وَدُودٌ عَظُوفٌ،

بی‌خبران و غافلان از ذکر خود رحیم و مهربانی و با جلب آنان به درگاهت دوستدار و مهرورزی از تو

أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ أَوْفَرِهِمْ مِنْكَ حِطًّا، وَأَغْلَاهُمْ عِنْدَكَ مَنْزِلًا،

خواهم از کسانی قرارم دهی که بهره بیشتری از تو دریافت داشته و مرتبه والاتری را حائز گشته

وَأَجْزَلِهِمْ مِنْ وَدَّكَ قِسْمًا، وَأَفْضَلِهِمْ فِي مَعْرِفَتِكَ نَصِيبًا، فَقَدْ انْقَطَعَتْ

و از دوستیت نصیب بیشتری عایدش شده و در معرفتت سهم زیادتری بهره‌اش داده‌اند زیرا که توجه من از همه جا

إِلَيْكَ هَمَّتِي، وَأَنْصَرَفْتُ نَحْوَكَ رَغْبَتِي، فَأَنْتَ لَا غَيْرُكَ مُرَادِي، وَلَكِ

بسوی تو منقطع شده و اراده و آرزویم به جانب تو گشته است پس مراد من تنها تویی نه دیگری

لَا لِسِوَاكَ سَهْرِي وَسَهَارِي، وَلِقَاؤُكَ قُرَّةُ عَيْنِي، وَوَضْلُكَ مَنِي

و شبزندهداری و بی‌خوابیم فقط بخاطر تو است نه غیر تو و دیدارت نور چشم من است و وصل تو

نَفْسِي، وَإِلَيْكَ شَوْقِي، وَفِي مَحَبَّتِكَ وَهْيِي، وَإِلَىٰ هَوَاكَ صَبَابَتِي،

آرزوی جان من و بسوی تو است اشتیاقم و در وادی محبت تو سرگشته‌ام، و در هوای تو است دلدادگیم

وَرِضَاكَ بُغِيَّتِي، وَ رُؤْيُوكَ حَاجَتِي، وَ جَوَازِكَ طَلْبِي، وَ قُرْبِكَ غَايَةَ

و خوشنودی تو است مقصودم و دیدار تو است حاجت من و نعمت
جوارت مطلوب من است نزدیکی و قرب به تو منتهای

سُؤْلِي، وَ فِي مُنَاجَاةِكَ رَوْحِي وَ رَاحَتِي، وَ عِنْدَكَ دَوَاءُ عِلَّتِي، وَ شِفَاءُ

خواسته من است و در مناجات با تو است خوشی و راحتیم و
پیش تو است داروی دردم و شفای

عِلَّتِي، وَ بَزْدُ لَوْعَتِي، وَ كَشْفُ كَرْبَتِي، فَكُنْ أُنَيْسِي فِي وَخْشَتِي، وَ مُقِيلَ

جگر سوختهام و تسکین حرارت دلم و برطرف شدن دشواریم پس
ای خدا بوده باش تو انیس و همدم در حال وحشتم و گذرنده

عَثْرَتِي، وَ غَافِرَ زَلَّتِي، وَ قَابِلَ تَوْبَتِي، وَ مُجِيبَ دَعْوَتِي، وَ وَلِيَّ

از لغزشم و آمرزنده گناهم و پذیرنده توبهام و اجابت کننده دعایم
و سرپرست

عِضْمَتِي وَ مُغْنِي فَاقَتِي، وَ لَا تَقْطَعْنِي عَنكَ، وَ لَا تُبْعِدْنِي مِنْكَ، يَا

نگهداریم و توانگری ده از نداریم و مرا از خویش جدایم مکن و از
درگاہت دورم منما ای

نَعِيمِي وَ جَنَّتِي، وَيَا دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

تو نعیم و جنت من و ای دنیا و آخرتم ای مهربانترین مهربانان

الثاسعه: «مناجات الفحبين»

نهم: مناجات دوستان
بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

إلهی مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا، وَمَنْ ذَا الَّذِي

خدایا نیست که شیرینی محبت تو را چشیده باشد و جز تو آهنگ
دیگری را بکند و کیست که به مقام

أَنْسٍ بِقُرْبِكَ فَابْتَغَى عَنْكَ جِوَلًا، إلهی فَاجْعَلْنَا مِنْ أَصْطَفَيْتَهُ

قرب تو انس گرفته باشد و درصدد روگرداندن از تو باشد خدایا
قرار ده ما را از زمره کسانی که

لِقُرْبِكَ وَوِلَايَتِكَ، وَأَخْلَصْتَهُ لِيُؤَدِّكَ وَمَحَبَّتِكَ، وَشَوْقَتَهُ إِلَى لِقَائِكَ،

برای قرب و دوستیت برگزیده‌های و برای عشق و محبت خالصش
گردانده و به دیدارت شائقش کرده و به قضا

وَرَضِيَّتَهُ بِقَضَائِكَ، وَمَنْحَتَهُ بِالنَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ، وَحَبْوَتَهُ بِرِضَاكَ،

و قدرت راضیش ساخته و به دیدن رویت به او نعمت بخشیده و
به خوشنودی خویش مخصوصش گردانده

وَأَعَدَّتْهُ مِنْ هَجْرِكَ وَقِلَاقِكَ، وَبَوَّأَتْهُ مَقْعَدَ الصُّدْقِ فِي جِوَارِكَ،

و از غم هجران و فراق پناهش داده و در جایگاه راستی در جوار
خویش جایش داده و

وَخَصَّضْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ، وَأَهْلَيْتَهُ لِعِبَادَتِكَ، وَهَيَّيْتُمْ قَلْبَهُ لِإِرَادَتِكَ،

به معرفت خویش مخصوصش کرده و برای پرستش و عبادت او
را لایق کردی و در ارادت خویش دل شیدایش کردی

وَاجْتَبَيْتَهُ لِمُشَاهَدَتِكَ، وَأَخْلَيْتَ وَجْهَهُ لَكَ، وَفَرَّغْتَ فُؤَادَهُ لِحُبِّكَ،

و برای مشاهده جمالت انتخابش کردی و رویش را برای خودت از
اغیار خالی کردی و دلش را برای محبت خویش فارغ کردی

وَرَغَّبْتَهُ فِيمَا عِنْدَكَ، وَأَلْهَمْتَهُ ذِكْرَكَ، وَأَوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ، وَشَغَلْتَهُ

و تنها بدانچه نزد تو است راغبش کردی و ذکر خویش را بدو الهام
کردی و سپاسگزاری را بدون نصیب کردی

بِطَاعَتِكَ وَصَيَّرْتَهُ مِنْ صَالِحِي بَرِيَّتِكَ، وَاخْتَرْتَهُ لِمُنَاجَاتِكَ،

و به طاعت خود سرگرمش ساختی و او را از بندگان شایستهات
گرداندی و برای مناجات خویش انتخابش کردی

وَقَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّشَيْءٍ يَقْطَعُهُ عَنكَ، أَللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنْ دَابُّهُمْ

و بریدی از او هر چه را که موجب بریدنش از تو گردد خدایا قرار
ده ما را از کسانی که شیوهشان در زندگی

الْإِزْتِيَاخُ إِلَيْكَ وَالْحَنِينُ، وَدَهْرُهُمُ الزَّفْرَةُ وَالْأَنْبِيَاءُ، جِبَاهُهُمْ سَاجِدَةٌ

شادمانی با تو و زاری به درگاه تو است و روزگارشان آه و ناله
است پیشانیهایشان در برابر عظمتت به خاک

لِعَظَمَتِكَ، وَعُيُونُهُمْ سَاهِرَةٌ فِي خِدْمَتِكَ، وَذُمُوعُهُمْ سَائِلَةٌ مِنْ

افتاده و از دیدگانشان در خدمتت یکسره بیدار است و سرشکشان
از

خَشْيَتِكَ، وَقُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ بِمَحَبَّتِكَ، وَأَفِيدَتُهُمْ مُنْخَلِعَةٌ مِنْ مَهَابَتِكَ،

ترس تو ریزان و دلهاشان به محبتت آویزان و قلبهاشان از هیبتت
از جا کنده شده است

يَا مَنْ أَنْوَارُ قُدْسِهِ لِأَبْصَارِ مُحِبِّهِ رَائِقَةٌ، وَسُبُحَاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ

ای که انوار قدسش برای دیدگان دوستانش در کمال درخشندگی
است و پرتوافکنیهای جمالش برای قلوب

عَارِفِيهِ شَائِقَةٌ، يَا مَنْ قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ وَيَا غَايَةَ آمَالِ الْمُحِبِّينَ،

عارفان زداینده (چرکیها) است ای آرمان دل مشتاقان و ای منتهای
آرزوی دوستان

أَسْأَلُكَ حُبِّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوَصِّلُنِي إِلَى قُرْبِكَ،

از تو خواهم دوستی خودت و دوستی دوستدارانت و دوستی هر
عملی که مرا به قرب تو واصل گرداند

وَأَنْ تَجْعَلَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ سِوَاكَ، وَأَنْ تَجْعَلَ حُبِّي إِيَّاكَ قَائِدًا إِلَى

و تو را در پیش من محبوبتر از ماسوای تو قرار دهد و از تو
خواهم که دوستیم را نسبت به تو جلودارم قرار دهی تا

رِضْوَانِكَ، وَشَوْقِي إِلَيْكَ ذَائِدًا عَنِ عِضْيَانِكَ، وَامْتِنُ بِالنَّظْرِ إِلَيْكَ

مرا به رضوانت بکشاند و اشتیاقم را به سویت چنان کنی که
بازدارنده از نافرمانیت باشد و بر من منت نه به اینکه بر من
توجهی

عَلَيَّ، وَانْظُرْ بَعَيْنِ الْوُدِّ وَالْعَظْفِ إِلَيَّ، وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ،

فرمایی و با دیده دوستی و عطوفت بر من بنگری و رو از من
مگردانی

وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْإِسْعَادِ وَالْحِظْوَةِ عِنْدَكَ، يَا مُجِيبُ يَا أَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ.

و مرا از جمله سعادت‌مندان و بهره‌مندان نزد خود قرار دهی ای
پاسخ دهنده ای مهربانترین مهربانان

العاشِرَه: «مُنَاجَاتِ الْمُتَوَسِّلِينَ»

دهم: مناجات توسل جویان
بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

إِلَهِي لَيْسَ لِي وَسِيلَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَاطِفُ رَأْفَتِكَ، وَلَا لِي ذَرِيعَةٌ

خدایا وسیله‌های به درگاهت ندارم جز عواطف مهرت و به سویت
دستاویزی ندارم

إِلَيْكَ إِلَّا عَوَارِفُ رَحْمَتِكَ، وَشَفَاعَةُ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، وَمُنْقِذِ الْأُمَّةِ

جز آنچه معروف است از رحمتت و شفاعت پیامبرت پیامبر رحمت
و نجات ده امت

مِنَ الْغَمِّ، فَاجْعَلْهُمَا لِي سَبَبًا إِلَى نَيْلِ غُفْرَانِكَ وَصَيِّزْهُمَا لِي وَضْلَةً

از غم و اندوه پس ای خدا همان دو را وسیله رسیدنم به آمرزشت
قرار ده و سببی برای رسیدنم

إِلَى الْفَوْزِ بِرِضْوَانِكَ، وَقَدْ حَلَّ رَجَائِي بِحَرَمِ كَرَمِكَ وَحَطَّ طَمَعِي

به سعادت خوشنودیت گردان زیرا که بار امیدم در حریم کرمت
فرود آمده و مرکب طمعم به

بِفَنَاءِ جُودِكَ، فَحَقِّقْ فِيكَ أَمَلِي، وَاخْتِمِ بِالْخَيْرِ عَمَلِي، وَاجْعَلْنِي مِنْ

آستانه جود تو زانو زده پس ای خدا به آرزوی من جامه عمل
پوشان و پایان کارم را بخیر گردان و

صَفْوَتِكَ الَّذِينَ أَخْلَقْتَهُمْ بُخْبُوحَةَ جَنَّتِكَ، وَبَوَّأْتَهُمْ دَارَ كَرَامَتِكَ،

در زمره آن دسته از برگزیدگانت قرارم ده که در وسط بهشتت
فرودشان آوردی و در خانه بزرگواری خویش جایشان دادی

وَأَقْرَزَتْ أَغْيَنَّهُمْ بِالنَّظْرِ إِلَيْكَ يَوْمَ لِقَائِكَ، وَأَوْرَثَتْهُمْ مَنَازِلَ الصَّدَقِ

و دیده آنها را در روز دیدار به همان نظر کردنشان بسویت روشن کردی و جایگاههای راستی را در جوار خویش بدیشان

فِي جَوَارِكِ، يَا مَنْ لَا يَفِذُ الْوَافِدُونَ عَلَى أَكْرَمِ مِنْهُ، وَلَا يَجِدُ الْقَاصِدُونَ

سپردی ای که واردین بر کریمتر از او وارد نشوند و قاصدان مهربانتر

أَرْحَمَ مِنْهُ، يَا خَيْرَ مَنْ خَلَا بِهِ وَحِيدٌ، وَيَا أَغْظَفَ مَنْ أَوَى إِلَيْهِ طَرِيدٌ

از او نیابند ای بهترین کسی که شخص در تنهایی با او خلوت کند و ای مهربانترین کسی که شخص آواره به درگاهش

إِلَى سَعَةِ عَفْوِكَ مَدَدْتُ يَدِي، وَبِذَيْلِ كَرَمِكَ أَغْلَقْتُ كَفِّي، فَلَا تُؤَلِّمْنِي الْجِزْمَانَ

جا و مسکن گیرد به سوی عفو وسیعت دست (نیاز) دراز کرده و به ذیل کرم تو چنگ (حاجت) انداختهام پس مرا محروم

وَلَا تُبَلِّغْنِي بِالْخَيْبَةِ وَالْخُسْرَانِ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

برمگردان و به زیان و خسران دچارم مساز ای شنوای دعا ای مهربانترین مهربانان

الحادی عَشْرَ: «مُنَاجَاتُ الْمُفْتَقِرِينَ»

یازدهم: مناجات نیازمندان
بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

إلهی کسری لا یخبِزُهُ إِلَّا لُطْفُكَ وَحَنَانُكَ، وَفَقْرِي لَا يُغْنِيهِ إِلَّا

خدایا شکست مرا جز لطف و مهر تو چیزی جبران نکند و نداریم را
جز

عَظْفُكَ وَإِحْسَانُكَ، وَرَوْعَتِي لَا يُسَكِّنُهَا إِلَّا أَمَانُكَ، وَذِلَّتِي لَا يُعِزُّهَا

توجه و احسان تو برطرف نسازد و هراس و وحشتم را جز امان تو
آرام نکند و خواریم را جز

إِلَّا سُلْطَانُكَ، وَأَمْنِيَّتِي لَا يُبَلِّغُنِيهَا إِلَّا فَضْلُكَ، وَخَلَّتِي لَا يَسُدُّهَا إِلَّا

سلطنت تو به عزت مبدل نسازد و جز فضل تو چیزی مرا به آرزویم
نرساند و فقر و احتیاجم را جز احسان تو

طَوْلُكَ، وَحَاجَّتِي لَا يَقْضِيهَا غَيْرُكَ، وَكَزْبِي لَا يُفَرِّجُهُ سِوَى رَحْمَتِكَ،

پر نکند و حاجتم را جز تو برنیاورد و گره از گرفتاریم جز رحمت
تو نگشاید و درماندگیم را

وَضُرِّي لَا يَكْشِفُهُ غَيْرُ رَأْفَتِكَ، وَغُلَّتِي لَا يُبْرِئُهَا إِلَّا وَضْلُكَ،

جز مهر تو برطرف نکند و سوز دلم را جز وصل تو فرو نماند

وَلَوْعَتِي لَا يُظْفِيهَا إِلَّا لِقَاؤُكَ، وَشَوْقِي إِلَيْكَ لَا يَبُلُّهُ إِلَّا النَّظْرُ إِلَى

و شعله درونم را جز لقاء تو خاموش نسازد و بر آتش اشتیاقم جز نظر به جلوهات چیزی آب

وَجْهِكَ، وَقَرَارِي لَا يَقْرُدُونَ دُنُوِي مِنْكَ وَلَهْفَتِي لَا يَزِدُّهَا إِلَّا

نریزد و قراری ندارم جز در نزدیکی تو و حسرت و افسوسم را جز نسیم جانبخش رحمت باز مگرداند

رَوْحُكَ، وَسُقْمِي لَا يَشْفِيهِ إِلَّا طِبُّكَ، وَغَمِّي لَا يُزِيلُهُ إِلَّا قُرْبُكَ،

و دردم را جز طبابت تو درمان نکند و اندوهم را جز قرب تو نزداید

وَجُزْحِي لَا يُبْرِئُهُ إِلَّا صَفْحُكَ، وَرَيْنُ قَلْبِي لَا يَجْلُوهُ إِلَّا عَفْوُكَ،

و زخمم را جز گذشت تو التیام نبخشد و زنگ دلم را جز عفو تو پاک نکند و اندیشههای

وَوَسْوَاسِ صَدْرِي لَا يُزِيحُهُ إِلَّا أَمْرُكَ فَيَا مُنْتَهَى أَمَلِ الْأَمَلِينَ، وَيَا

باطل درونم را جز فرمان تو برطرف نکند پس ای منتها آرزوی آرزومندان و ای سرحد

غَايَةِ سُؤْلِ السَّائِلِينَ، وَيَا أَقْصَى طَلِبَةِ الطَّالِبِينَ، وَيَا أَعْلَى رَغْبَةِ

نهایی خواسته درخواستکنندگان و ای آخرین مرحله مطلوب طلب کنندگان و ای بالاترین خواهش

الرَّاعِبِينَ، وَيَا وَلِيَّ الصَّالِحِينَ وَيَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ

خواهشمندان و ای سرپرست شایستگان و ای امان بخش ترسناکان
و ای اجابت کننده دعای

الْمُضْطَّرِّينَ، وَيَا ذُخْرَ الْمُغْدِمِينَ، وَيَا كَنْزَ الْبَائِسِينَ، وَيَا غِيَاثَ

درماندگان و ای ذخیره نداران و ای گنج مستمندان و ای فریادرس

الْمُسْتَغِيثِينَ، وَيَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ، وَيَا أَكْرَمَ

فریادخواهان و ای برآورنده حاجات فقیران و بیچارگان و ای
بزرگوارترین

الْأَكْرَمِينَ، وَيَا أَزْحَمَ الرَّاحِمِينَ، لَكَ تَخَضُّعِي وَسُؤَالِي، وَإِلَيْكَ

بزرگواران و ای مهربانترین مهربانان به درگاه تو است فروتنی و
خواستهام و به سوی

تَضَرُّعِي وَابْتِهَالِي، أَسْأَلُكَ أَنْ تُنِيلَنِي مِنْ رَوْحِ رِضْوَانِكَ، وَتُدِيمَ

تو است زاری و ناله‌ام از تو خواهم که مرا به نسیم جانبخش
خوشنودیت برسانی و نعمتهایی را که

عَلَيَّ نِعَمَ امْتِنَانِكَ وَهَا أَنَا بِبَابِ كَرَمِكَ وَاقِفٌ، وَلِنَفْحَاتِ بَرْكَ

از روی امتنان به من دادی ادامه دهی و من هم اکنون به در خانه
کرمت ایستاده و خود را در معرض

مُتَعَرِّضٌ، وَبِحَبْلِكَ الشَّدِيدِ مُغْتَصِمٌ، وَبِعِزَّتِكَ الْوُثْقَى مُتَمَسِّكٌ، إِلَهِي
إِرْحَمْ

وزش نسیمهای رحمت قرار داده و به رشته محکمت چسبیده و به دستاویز محکمت چنگ زدهام خدایا ترحم

عَبْدَكَ الذَّلِيلَ، ذَا اللِّسَانِ الْكَلِيلِ وَالْعَمَلِ الْقَلِيلِ، وَامْنٌ عَلَيْهِ بِطَوْلِكَ

کن به این بنده ذلیلت که زبانش کُند و عملش اندک است و بر او بوسیله احسان

الْجَزِيلِ، وَاكْتَفُهُ تَحْتَ ظِلِّكَ الظَّلِيلِ يَا كَرِيمُ يَا جَمِيلُ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

فراوانت منت بنه و او را در زیر سایه پایداریت پیر ای بزرگوار ای زیبابخش ای مهربانترین مهربانان

الثَّانِيَةَ عَشَرَ: «مُنَاجَاتُ الْعَارِفِينَ»

دوازدهم: مناجات عارفان
بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

إِلَهِي قَصُرَتِ الْأَلْسُنُ عَنْ بُلُوغِ ثَنَائِكَ كَمَا يَلِيْقُ بِجَلَالِكَ، وَعَجَزَتِ

خدایا زبانها قاصر است از رسیدن به ثنای تو آنطور که شایسته جلال تو است و عقلها

الْعُقُولُ عَنْ إِدْرَاكِ كُنْهِ جَمَالِكَ، وَانْحَسَرَتِ الْأَبْصَارُ دُونَ النَّظَرِ إِلَى

عاجز است از ادراک کنه جمالت و دیدهها تار و بی فروغ ماند از
نظر کردن به سوی انوار

سُبْحَاتِ وَجْهِكَ، وَلَمْ تَجْعَلِ لِلْخَلْقِ طَرِيقاً إِلَى مَعْرِفَتِكَ إِلَّا بِالْعَجْزِ

ذاتت و قرار ندادی برای خلق خود راهی به سوی شناسائیت جز به
اظهار عجز

عَنْ مَعْرِفَتِكَ، إِلَهِي فَأَجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَرَسَّخَتْ أَشْجَارُ الشُّوقِ

از شناسائیت خدایا پس ما را از کسانی قرار ده که درختهای شوق

إِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ ضُؤْرِهِمْ، وَأَخَذَتْ لَوْعَهُ مَحَبَّتِكَ بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ،

بسوی تو در بوستانهای سینھشان ریشه محکم کرده و سوز محبتت
سراسر دلشان را فراگرفته

فَهُمْ إِلَى أَوْكَارِ الْأَفْكَارِ يَأْوُونَ، وَفِي رِيَاضِ الْقُرْبِ وَالْمُكَاشَفَةِ

پس آنها به آشیانههای اندیشهها جای گیرند و در چمنزارهای قرب به
تو و مکاشفه

يَزْتَعُونَ، وَمِنْ حِيَاضِ الْمَحَبَّةِ بِكَاسِ الْمُلَاطَفَةِ يَكْرَعُونَ، وَشَرَايِعِ

می چرند و از حوضهای محبت به جام ملاطفت (آب حیات) بنوشند
و در کنار نهرهای

الْمُصَافَاتِ يَرِدُونَ، قَدْ كُشِفَ الْغِطَاءُ عَنْ أَبْصَارِهِمْ، وَانْجَلَتْ ظُلْمَةُ

صفا وارد گشته‌اند در حالی که پرده از پیش دیدگانشان برداشته شده و تاریکی شبهه و

الرَّيْبِ عَنْ عَقَائِدِهِمْ وَضَمَائِرِهِمْ، وَانْتَفَتْ مُخَالَجَهُ الشُّكِّ عَنْ

تردید از صفحه عقاید و نهادشان زائل گشته و یکسره خلجان شک و ریب از

قُلُوبِهِمْ وَسَرَائِرِهِمْ، وَانْشَرَحَتْ بِتَحْقِيقِ الْمَعْرِفَةِ صُدُورُهُمْ، وَعَلَتْ

دلها و درونشان بیرون رفته و دریچه‌های سینھشان بواسطه استوار شدن معرفت بازگشته و همتهاشان

لِسَبْقِ السَّعَادَةِ فِي الزَّهَادَةِ هَمَمُهُمْ، وَعَذَبَ فِي مَعِينِ الْمُعَامَلَةِ

برای پیشی گرفتن در خوشبختی در اثر پارسایی بلند گردیده و نوشیدنیهایشان در چشمه کردار

سَزْبُهُمْ، وَطَابَ فِي مَجْلِسِ الْأَنْسِ سِرُّهُمْ، وَأَمِنَ فِي مَوْطِنِ الْمَخَافَةِ

شیرین و گوارا شده و درونشان در محفل انس با تو پاکیزه گشته و راهشان در جاهای هولناک

سَزْبُهُمْ، وَاطْمَأَنَّ بِالرُّجُوعِ إِلَى رَبِّ الْأَرْبَابِ أَنْفُسُهُمْ، وَتَيَقَّنَتْ

امن گشته و جانهای ایشان در بازگشت بسوی رب الارباب مطمئن گردیده و روانشان

بِالْفَوْزِ وَالْفَلَاحِ أَزْوَاحُهُمْ، وَقَرَّتْ بِالنَّظَرِ إِلَى مَحْبُوبِهِمْ أَغْيُنُهُمْ،

به فیروزی و رستگاری یقین پیدا کرده و دیدگانشان به واسطه دیدار محبوب روشن گشته

وَاسْتَقَرَّ بِإِذْرَاكِ الشُّؤْلِ وَنَيْلِ الْمَأْمُولِ قَرَارُهُمْ، وَرَبِحَتْ فِي بَيْعِ

و به واسطه رسیدن به مقصود و نائل شدن به آرزوهای خویش
قراری یافته و سوداگری ایشان بواسطه فروختن

الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ تِجَارَتُهُمْ، إِلَهِي مَا أَلَذَّ خَوَاطِرَ الْإِلْهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَيَّ

دنیا به آخرت کاملاً سودمند گشته است خدایا چه اندازه لذیذ است
یاد تو در دلها که بوسیله الهام خطور کند

الْقُلُوبِ، وَمَا أَخْلَى الْمَسِيرَ إِلَيْكَ بِالْأَوْهَامِ فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ، وَمَا

و چقدر شیرین است سیر بسوی تو با مرکب اندیشهها که در
راههای غیب صورت می‌گیرد و چقدر

أَطْيَبَ طَعْمَ حُبِّكَ، وَمَا أَغْذَبَ شَرِبَ قُرْبِكَ، فَأَعِدْنَا مِنْ طَرْدِكَ
وَإِنْعَادِكَ، وَاجْعَلْنَا

گوارا است طعم دوستی تو و چه شیرین است شربت قرب تو پس
ای خدا ما را از راندن و دور کردن پناه ده

مِنْ أَحْصَ عَارِفِيكَ، وَأَصْلَحَ عِبَادِكَ، وَأَصْدَقَ طَائِعِيكَ، وَأَخْلَصَ غُبَّادِكَ،

و قرارمان ده از مخصوصترین عارفانت و از شایستهترین بندگانت
و راستگوترین فرمانبردارانت و خالصترین

يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ، يَا كَرِيمُ يَا مُنِيلُ، بِرَحْمَتِكَ وَمَنْكَ يَا أَرْحَمَ

پرستش کنندگانت ای عظیم ای با جلالت ای بزرگوار ای عطابخش
به رحمت و احسانت ای مهربانترین مهربانان

الثَّالِثَةَ عَشَرَ: «مُنَاجَاتُ الذَّاكِرِينَ»

سیزدهم: مناجات یادکنندگان حق
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

إِلَهِي لَوْ لَا الْوَاجِبُ مِنْ قَبُولِ أَمْرِي، لَنَزَّهْتُكَ مِنْ ذِكْرِي إِيَّاكَ، عَلِي

خدایا اگر پذیرفتن فرمانت واجب نبود تو را پاکتر از آن می دانستم
که من نام تو را به زبان آرم گذشته

أَنْ ذِكْرِي لَكَ بِقَدْرِي لَا بِقَدْرِكَ، وَمَا عَسَى أَنْ يَبْلُغَ مِقْدَارِي حَتَّى

از اینکه ذکری که من از تو کنم به اندازه فهم من است نه به مقدار
مقام تو و تازه مگر چه اندازه امید است

أَجْعَلَ مَحَلًّا لِتَقْدِيسِكَ، وَمِنْ أَعْظَمِ النُّعَمِ عَلَيْنَا جَرِيَانُ ذِكْرِكَ عَلِي

قدم بالا رود که محل تقدیس (و به پاکی ستودن) تو قرار گیرم و
از بزرگترین نعمتهای تو بر ما همان جریان داشتن ذکر تو بر

أَلَسِنَتِنَا، وَإِذْنُكَ لَنَا بِدُعَائِكَ وَتَنْزِيهِكَ وَتَسْبِيحِكَ إِلَهِي فَأَلْهِمْنَا

زبان ما است و همان اجازهای است که برای دعا کردن و به پاکی
ستودنت به ما دادی خدایا پس ذکر

ذَكَرَكَ فِي الْخَلَاءِ وَالْمَلَاءِ، وَاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَالْإِغْلَانِ وَالْإِسْرَارِ، وَفِي

خویش را به ما الهام کن در خلوت و جلوت و شب و روز و آشکار
و نهان و در

السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ، وَأَنَسْنَا بِالذِّكْرِ الْخَفِيِّ وَاسْتَعْمَلْنَا بِالْعَمَلِ الزَّكِيِّ،

خوشی و ناخوشی و ما را به ذکر خفی و پنهانت مانوس کن و به
کار پاکیزه و کوشش خدایسند

وَالسَّغَى الْمَرْضَى، وَجَازِنَا بِالْمِيزَانِ الْوَفِيِّ إِلَهِي بِكَ هَامَتِ

وادار و پاداش ما را به سنگ تمام بده خدایا دل‌های شیدا همه
سرگشته

الْقُلُوبُ الْوَالِهَةُ، وَعَلَى مَعْرِفَتِكَ جُمِعَتِ الْعُقُولُ الْمُتَبَايِنَةُ، فَلَا

و تشنه تواند و خردهای متفرق و جدا همه در مورد شناسایی و
معرفت تو متفق گشته‌اند و از اینرو

تَظْمِئُنَّ الْقُلُوبُ إِلَّا بِذِكْرِكَ، وَلَا تَسْكُنُ النُّفُوسُ إِلَّا عِنْدَ رُؤْيَاكَ، أَنْتَ

دل‌ها جز به یاد تو آرام نگیرند و جانها جز به مشاهده جمالت تسکین
نیابند تویی که در هر جا

الْمُسَبِّحُ فِي كُلِّ مَكَانٍ وَالْمَغْبُودُ فِي كُلِّ زَمَانٍ، وَالْمَوْجُودُ فِي كُلِّ

تسبیح گویند و در هر زمانی پرستش کنند و در هر آن موجود
بودهای و به هر

أَوَانٍ، وَالْمَدْعُو بِكُلِّ لِسَانٍ، وَالْمُعَظَّمُ فِي كُلِّ جَنَانٍ، وَأَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ

زبان تو را خوانند و در هر دلی تو را به بزرگی یاد کنند و از تو
آمرزش خواهم از هر

لَذَّةٍ بِغَيْرِ ذِكْرِكَ، وَمِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بِغَيْرِ أَنْسِكَ، وَمِنْ كُلِّ سُؤْرٍ بِغَيْرِ

لذتی جز لذت تو و از هر آسایشی جز انس با تو و از هر شادمانی
بجز

قُرْبِكَ، وَمِنْ كُلِّ شُغْلٍ بِغَيْرِ طَاعَتِكَ، إِلَهِي أَنْتَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ، يَا

قرب تو و از هر سرگرمی به جز فرمانبرداریت خدایا تو فرمودی و
گفتهاست حق است «ای

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا، وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا،

کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را یاد کنید یاد کردن بسیار و تسبیح
او گوئید در بامداد و پسین»

وَقُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ، فَأَمَرْتَنَا بِذِكْرِكَ، وَوَعَدْتَنَا

و نیز فرمودی و گفتهاست حق است «مرا یاد کنید تا من هم شما را
یاد کنم» پستو ما را بهیاد کردنت دستور فرمودی و بهما وعده‌دادی

عَلَيْهِ أَنْتَ ذَكْرُنَا تَشْرِيفًا لَنَا وَتَفْخِيمًا وَإِعْظَامًا، وَهَذَا نَحْنُ ذَاكِرُوكَ كَمَا

که برای شرافت و عزت و عظمت بخشی به ما تو هم ما را یاد کنی
و ما هم اکنون مطابق فرمانت تو را

أَمَرْتَنَا، فَأَنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا، يَا ذَاكِرَ الذَّاكِرِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

یاد کنیم پس تو هم به وعده خویش وفا کن ای که از یادکنندگان
یاد کنی و ای مهربانترین مهربانان

الرَّابِعَهُ عَشْرَ: «مُنَاجَاتُ الْمُعْتَصِمِينَ»

چهاردهم: مناجات معتصمان
بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اللَّهُمَّ يَا مَلَاذَ اللَّائِذِينَ، وَيَا مَعَاذَ الْعَائِذِينَ، وَيَا مُنْجِيَ الْهَالِكِينَ، وَيَا

خدایا ای پناه پناه جویان و ای پناه ده پناهندگان و ای نجات
دهنده هلاک شدگان و ای

عَاصِمَ الْبَائِسِينَ، وَيَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ، وَيَا مُجِيبَ الْمُضْطَّرِّينَ،

نگهدار بیچارگان و ای مهرورز مسکینان و ای اجابت کننده
درماندگان

وَيَا كَاثِرَ الْمُفْتَقِرِينَ، وَيَا جَابِرَ الْمُتَكَسِّرِينَ، وَيَا مَأْوَى الْمُتَقَطِّعِينَ، وَيَا

و ای گنج فقیران و ای جبران کننده دلشکستگان و ای جای ده دور
از وطنان و ای

نَاصِرَ الْمُسْتَضْعَفِينَ، وَيَا مُجِيرَ الْخَائِفِينَ وَيَا مُغِيثَ الْمَكْرُوبِينَ، وَيَا

یاور آنانکه ناتوانشان شمردهاند و ای پناه ده ترسناکان و ای
فریادرس غمدیدگان و ای

حِصْنَ الْأَجِينِ، إِنْ لَمْ أَعِزُّ بِعِزَّتِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ، وَإِنْ لَمْ أَلْذُ بِقُدْرَتِكَ

قلعه محکم پناهندگان اگر من به عزت تو پناه نیاورم پس به که
پناه برم و اگر به قدرت تو

فَبِمَنْ أَلُوذُ، وَقَدْ أَلْجَأْتَنِي الذُّنُوبُ إِلَى التَّشَبُّثِ بِأَذْيَالِ عَفْوِكَ،

دست پناهندگی دراز نکنم پس به که پناهنده شوم (خدایا) گناهان
مرا ناچار کرده که به دامان عفو تو چنگ زدم

وَأَخَوْجْتَنِي الْخَطَايَا إِلَى اسْتِفْتِحِ أَبْوَابِ صَفْحِكَ، وَدَعَّيْتَنِي الْإِسَاءَةَ

و خطاها مرا نیازمند کرده که از تو بخواهم درهای چشم پوشیت را
به رویم بگشایی و بدیها

إِلَى الْإِنَاخَةِ بِفِنَاءِ عِزِّكَ، وَحَمَلْتَنِي الْمَخَافَةَ مِنْ نِقْمَتِكَ عَلَى التَّمَشُّكِ

مرا بدینجا کشانده که به آستان عزت تو بار اندازم و ترس از انتقام
مرا واداشته که

بِعُزْوِهِ عَظْفِكَ، وَمَا حَقُّ مَنْ اغْتَصَمَ بِحَبْلِكَ أَنْ يُخْذَلَ، وَلَا يَلِيْقُ بِمَنْ

به رشته محکم مهر تو چنگ زخم و برآستی آنکس که به ریسمان تو
چنگ زند سزاوار خواری نیست و آنکس

اسْتَجَارَ بِعِزِّكَ أَنْ يُسَلَّمَ أَوْ يُهْمَلَ، إِلَهِي فَلَا تُخْلِنَا مِنْ حِمَايَتِكَ، وَلَا

که به عزت تو پناهنده شود تسلیم کردنش و یا واگذارنش شایسته
نیست پس ای خدا ما را از حمایت خویش وامگذار و

تُعْرِنَا مِنْ رِعَايَتِكَ، وَذُرْنَا عَنْ مَوَارِدِ الْهَلَاكَةِ، فَإِنَّا بِعَيْنِكَ وَفِي كَنَفِكَ

از رعایت خود باز مدار و از پرتگاههای هلاکت بازدار زیرا ما در
تحت توجه تو و در کنف حمایت تو

وَلَكَّ، أَسْأَلُكَ بِأَهْلِ خَاصَّتِكَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَالصَّالِحِينَ مِنْ بَرِيَّتِكَ،

و از آن توئیم از تو خواهیم به حق خاصان درگاهت از فرشتگان و
شایستگان از بندگانت

أَنْ تَجْعَلَ عَلَيْنَا وَاقِيَةَ تُنَجِّنَا مِنَ الْهَلَاكَاتِ، وَتُجَنِّبُنَا مِنَ الْآفَاتِ،

که برای ما سپری قرار دهی که ما را از مهالک نجات دهد و خودت
ما را از آفات دور کنی

وَتَكِنُّنَا مِنْ دَوَاهِي الْمُصِيبَاتِ، وَأَنْ تُنْزِلَ عَلَيْنَا مِنْ سَكِينَتِكَ، وَأَنْ

و از مصیبتهای بزرگ ما را محفوظ داری و از آرامش خود بر ما
فرود آری و

تُعَشِّيَ وُجُوهَنَا بِأَنْوَارِ مَحَبَّتِكَ، وَأَنْ تُؤْوِيَنَا إِلَى شَدِيدِ رُكْنِكَ، وَأَنْ

چهره‌های ما را به انوار محبت خویش بیوشانی و در پایگاه
محکمت ما را جای دهی و ما را

تُخَوِّينَا فِي أَكْنَافِ عِضْمَتِكَ، بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

در کرانه‌های عصمت خویش بداری به حق عطوفت و مهترت ای
مهربانترین مهربانان

الخامسة عشر: «مُنَاجَاتُ الرَّاهِدِينَ»

پانزدهم: مناجات پارسایان
بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

إِلٰهِي أَسْكَنْتَنَا دَارًا حَفَرَتْ لَنَا حُفْرَ مَكْرِهَا، وَعَلَّقَتْنَا بِأَيْدِي الْمَنَآيَا

خدایا ما را در خانه‌های جا داده‌ای که سر راه ما گودالهای نیرنگ را
کنده و در دامهای فریب خود ما را

فِي حَبَائِلِ غَدْرِهَا، فَالَيْكَ نَلْتَجِيءُ مِنْ مَكَائِدِ خُدَعِهَا، وَبِكَ نَعْتَصِمُ

به چنگالهای مرگ آویخته پس به سوی تو پناه آوریم از دامهای
فریبش و به تو نگهداری جوئیم

مِنَ الْأَغْتِرَارِ بِزَخَارِفِ زِينَتِهَا، فَإِنَّهَا الْمُهْلِكَةُ ظَلَابَّتِهَا، الْمُثْلِفَةُ خُلَّالَهَا،

از مغرور شدن به زر و زیور آراسته‌هایش زیرا که دنیا جویندگانش را

به هلاکت اندازد و واردین خود را نابود کند

الْمَخْشُوءُ بِالْأَفَاتِ، الْمَشْحُونَةُ بِالنُّكَبَاتِ، إِلَهِي فَزَهِّدْنَا فِيهَا،

آکنده است از بلا و زیان و پر است از رنج و سختی خدایا پس ما را در دنیا پارسا کن

وَسَلِّمْنَا مِنْهَا بِتَوْفِيقِكَ وَعِضْمَتِكَ، وَانزِعْ عَنَّا جَلَابِيبَ مُخَالَفَتِكَ،

و به وسیله توفیق و نگهداری خود ما را از شرورش سالم بدار و بیرون آر از بر ما جامه‌های مخالفت

وَتَوَلَّ أُمُورَنَا بِحُسْنِ كِفَايَتِكَ، وَأَوْفِرْ مَزِيدَنَا مِنْ سَعَةِ رَحْمَتِكَ،

و نافرمانیت را و با حسن کفایت خود امور ما را سرپرستی فرما و از رحمت وسیع خود سهمیه عطای ما را افزون گردان

وَأَجْمِلْ صَلَاتِنَا مِنْ فَيْضِ مَوَاهِبِكَ، وَاغْرِسْ فِي أَفْئِدَتِنَا أَشْجَارَ

و جایزه‌های ما را از سرچشمه پرفیض مواهبت نیکو گردان و بنشان در دل‌های ما درخت‌های

مَحَبَّتِكَ، وَأَثِممْ لَنَا أَنْوَارَ مَعْرِفَتِكَ، وَأَذِقْنَا حَلَاوَةَ عَفْوِكَ وَوَلَدَةَ

محبتت را و کامل گردان بر ما انوار درخشنده معرفتت را و بچشان به ما شیرینی عفو و لذت

مَغْفِرَتِكَ، وَأَقْرِزْ أَعْيُنَنَا يَوْمَ لِقَائِكَ بِرُؤْيَيْتِكَ، وَأَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ

آمرزشت را و دیدگانمان را در روز قیامت به مشاهده جمالت روشن

کن و دوستی دنیا را از دلهای ما

قُلُوبِنَا، كَمَا فَعَلْتَ بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ، وَالْأَبْرَارِ مِنْ خَاصَّتِكَ،

بیرون کن چنانچه درباره برگزیدگان و نیکان از خواص درگاہت
چنین کردی

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ.

به رحمت ای مهربانترین مهربانان و ای کریمترین کریمان